

### متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام خدمت جنابعالی در مورد آقای هاشمی در نظرات اخیر فرموده اید با اینکه با نظرات ایشان مخالفم ولی ایشان را مقابل انقلاب نمیدانم. البته این حرف شما درست است که ما نباید دوستان را به دشمن تبدیل کنیم ولی حسن ظن بیش از اندازه هم چندان مناسب نیست شما بهتر از ما میدانید که این انقلاب برای اهداف قدسی ایجاد شد و به قول ان شهید سعید انقلاب ما انقلاب نور و ارزشها بود حالا اگر افرادی قیم ماب پیدا شوند و بخواهند نظر خودشان را بر انقلاب تحمیل کنند و انقلاب را از درون استحاله نمایند و کاری کنند که فقط پوستی از ان بمانند باز ما بگوییم در برابر انقلاب نیستند؟ آیا آقای رفسنجانی در زمان ریاست جمهوری اینکار را نکرد؟ آیا ارزشهای انقلاب را به حاشیه نبرد؟ آیا به جای تحکیم مبانی دینی انقلاب مبانی فرهنگ غربی را تقویت نکرد؟ بعد همینکه احمدی روی کار آمد آیا بیشترین مخالفتها را با او نکرد؟ آیا در ۸۸ به دروغ نگفتند تقلب شده و ان بساط را پهن نکردند؟ آیا در زمان خاتمی به همه چیز توهین نکردند؟ آیا در ۱۸ تیر تاج زاده شورشیان را به سمت بیت رهبری هدایت نکرد؟ و هزاران مطلب دیگر مشکل هاشمی این است که خودش و فکرش را مساوی انقلاب میدانند و با هر فکری غیر از خودش به شدت مبارزه میکند ان مطلب آقای روحانی را از یاد نبریم که گفت همین که کربوبی با او در زمان ریاست مجلسش مخالفت میکرد حاضر شد با بدترین تهمتها او را خاموش کند البته این پیروزی دوباره هاشمی غصه ای است بر دل مومنین و با خون دل باید لبخند پیروزی نظام را بر لب جاری کنند هر چند در این شکست خود اصولگراها مقصرند که موقعیت خود را نشناختند و مفت از دست دادند تا توانستند احمدی را له کردند احمدی هم تا توانست با انها لجبازی کرد بنده معتقدم ضربه ای که هاشمی به انقلاب زد هیچ کس نزد

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرض بنده آن است که آقای هاشمی در رابطه با انقلاب به دنبال آرمان شهری است که آرمان شهر از نظر او عین اسلام و انقلاب است و بنده در مباحث «انقلاب اسلامی» به نظر خودم روشن کرده‌ام، آرمان شهر آقای هاشمی به کلی غیر از آرمان شهر تمدنی است که ما فکر می‌کنیم انقلاب به دنبال آن است. ولی اولاً: عرض بنده آن است که این تفاوت را به معنای آن ندانیم که آقای هاشمی مثل بعضی‌ها بنا دارد انقلاب را دو دستی به غرب تقدیم کند، هرچند به آرمان شهر غربی اصالت می‌دهد. ثانیاً: تأکید بنده آن است جایگاه فکری آقای هاشمی را بشناسیم تا

نوع تعامل ما با این فکر، آگاهانه و عالمانه و کارشناسانه باشد و این به معنای تأیید آقای هاشمی نیست بلکه به معنای چشم‌نبستن به این طرز فکر است، و امیدوارم در چهارسالی که در پیش داریم بر روی این موضوع به‌خوبی از جهت فکری و فرهنگی کار شود. موفق باشید